

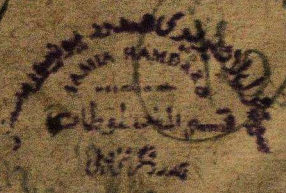


FUMIGATED



297-3
B95 N

تاریخ ۱۳۰۲



بسم الله الرحمن الرحيم

نام حضرت برکت الهی را نام / که جان کهنش می خوانم

کف و صانع دهنم حکیم / خال و زار و روت پریم

هر چه هست از کندی و بی / همه زوافت صورت بسی

طاعت اوست و هر چه شده / بر من است پس چو در شد

داد ما را کتاب تا خوانیم / که ما را خطاب دادایم

هر چه او گفت عذران کرد / غبت سودم بجز نمان کردن

هر چه او گفت که من هم / طاعت او را کنم همه

روز و شب طالب قلب و دم / بروی است ز ملک و دم

شکر خیر که می فرماید و دارم / بشوایم و مصطفی دارم

منزه و مهتر و کریم همه / سرور و خانم بکین همه

با دین و عبادت کمال / او طریق عبادت کند مال



نامروز حسنه ایاید؟ صلوات خدای رویی چه

است او و حسنه داریم حسنه از چهار بار دوم

حجم او یک وعده و غنایت مرتضی دانت علیهم الرضلا

حسنت نثار مایه شری چه بر حسنه همته الاثر

ای مصلی با طهارت کین خانه جمیع خوارت کین

جمعی باری طهارت ظاهر باطنیت بر حرکت ظاهر

دانت طهارت که قسم بکم طاهر است که همه قسم

تن تغیر و وضوح کین آب که نیست فصد خلکین

شرح این بر سه نوع بگویم ناله که چراک شرح بگویم

در طهارت و وضو و سنت بر تو علم ندوان و سنت

سنت نه در روز بکنیم نوشته سنج روز بکنیم

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد و آله الطيبين
الطاهرين
هذا ما كتبه
في شهر ربيع الثاني
سنة ١٢٨٥
الحمد لله

در این کتاب
در بیان طهارت
وضو و غسل
و سایر اعمال
که در روز
باید کرد
توضیح شده است
و این کتاب
برای هر کس
که بخواهد
این اعمال را
به درستی
و با طهارت
بکند
مفید است
و این کتاب
در شهر
تهران
در روز
پنجشنبه
سنة ١٢٨٥
تألیف شده است
و این کتاب
برای هر کس
که بخواهد
این اعمال را
به درستی
و با طهارت
بکند
مفید است

البر

آهست و نه ز بایر که / هم مقام نازاید که

خو نماند چه بسازد کفایت / هر معنی که گوییم نفع است

روز محشر که جان گذارد / اولین پشیمانان بود

بیکر و نه ؛ نصیر / تا هلا روز باشد تو غیر

غم جز خور که غم هم چو / هم غم ؛ فو تر از سر است

غم چو محو که بهیه است / هیچکس در جهان نماند

من محبت و تصور معتر غم / نه چو هلا آهن و خرم

بش ازین گفتند که سلف / غم در صفت و فست است

لیک بر جویش کشیدند / یعنی هر کس که نصیب از دردی که نشانه ندارد آن جهت که معر می خورد از آن سکر

من نصیر محال کشیدم / فقه را بر دغم بکشیدم

اب تازی اگر چه بداند / لاشه غم خوشتر بنماید

نکته عیب کرد و بنماید / که هر وجه که بپوشانند

این تلا جد کار از ترس / نام او در جهان هرگز نیست